اخبار کارگری

نگرانی بازنشستگان کارگری از عدم اجرای متناسب‌سازی حقوق

جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، از نامشخص بودن نحوه اجرای متناسب‌سازی حقوق این دسته از بازنشستگان ابراز نگرانی کردند و گفتند: برنامه هفتم توسعه منابع متناسب‌سازی حقوق را از یک درصد افزایش ارزش افزوده تعیین کرده که ظلم است اگر این منابع برای بازنشستگان کشوری و لشگری استفاده شود و بازنشستگان تأمین اجتماعی از آن بهره‌ای نبرند. به گزارش ایلنا، این بازنشستگان می‌گویند: کسانی که فرمول متناسب‌سازی را نوشته‌اند، بازنشستگان تأمین اجتماعی را در نظر نگرفتند چرا که فرمول نوشته شده به کار ما نمی‌آید. رسیدن حقوق بازنشستگان به ۹۰ درصد شاغلان متناظر نه تنها سودی برای ما ندارد که به ضرر بازنشستگان سایر سطوح نیز است و حقوق آنها را کاهش می‌دهد. آنها از نمایندگان بازنشستگان می‌خواهند تا موضوع تغییر فرمول متناسب‌سازی و بعد اجرای آن برای بازنشستگان تأمین اجتماعی را با جدیت پیگیری کنند. این بازنشستگان به مستمری خود اشاره می‌کنند و می‌گویند: عدم اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی و عدم تعیین حقوق مطابق با افزایش هزینه‌های زندگی، سطح معیشت ما را کاهش داده و با افزایش متناسب‌سازی انتظار داریم بخشی از این مشکل حل شود. آنها با اشاره به هزینه‌های سنگین درمان می‌گویند: مستمری ناچیز و بیمه پایه و تکمیلی ناکارآمد فشار زندگی را بر ایمان سخت‌تر کرده است. متناسب‌سازی حقوق کمترین کاری است که می‌توانند برای ما انجام دهند.

کارگران کربنات سدیم خواستار اجرای قانون مشاغل سخت هستند

تعدادی از کارگران کارخانه کربنات سدیم فیروزآباد خواستار لحاظ شدن عناوین شغلی خود در قانون مشاغل سخت‌وزیان‌آور شدند. به گزارش ایلنا، این کارگران می‌گویند: این کارخانه به دلیل وجود آلودگی‌های محیطی فراوان طبق گزارشات کمیته‌های استانی جزو مشاغل سخت و زیان‌آور تشخیص داده شده اما سختی کار کارگران به درستی لحاظ نمی‌شود بنابراین بازنشستگی کارگران این کارخانه مشمول مزایای مشاغل سخت نمی‌شود و در برخی موارد به‌صورت عادی انجام می‌شود. این کارگران که خواستار بازنگری اداره کار در خصوص سخت و زیان‌آور بودن عناوین شغلی خود هستند، گفتند: کارگرانی که آماده بازنشسته شدن با قانون مشاغل سخت و زیان‌آور می‌شوند، در آینده با مشکل روبه‌رو شده و امکان بازنشسته شدن برایشان فراهم نمی‌شود. یکی از این کارگران گفت: مشاغل سخت و زیان‌آور مشاغلی هستند که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در او ایجاد شود که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن است. آن طور که قانون مشخص کرده شاغلان مشاغل سخت و زیان‌آور در صورت پرداخت ۲۰ سال حق بیمه متوالی یا ۲۵ سال حق بیمه متناوب بازنشسته می‌شوند. کارگران این کارخانه در معرض انواع آلاینده‌ای هوایی به دلیل استفاده از گاز خطرناک آمونیاک قرار دارند و در عین حال گرد و غبار، آسیب‌های تنفسی زیادی برای کارگران این کارخانه ایجاد کرده است.

مدیرعامل تامین اجتماعی:
بسیاری از مشکلات مردم در دولت سیزدهم حل شد

مدیرعامل تامین اجتماعی، تقویت و توسعه ظرفیت‌های درمان رایگان بیمه‌شدگان را متأثر از رویکرد جهادی و مردمی رئیسی توصیف کرد و گفت: رئیس جمهور شهید، تمام همت و سرمایه اجتماعی اندوخته خود را تا پای ایثار جان خود، پای کار مردم گذاشت. به گزارش توسعه ایرانی، هاشم موسوی ادامه داد: خیلی از مشکلاتی که برای سال‌ها مردم را آزار می‌داد در این دولت حل شد که از جمله می‌توان به پوشش بیمه‌ای هزینه‌های سنگین درمان ناباروری، رایگان شدن درمان کودکان زیر هفت سال و پوشش بیمه درمان صددرصدی همه آحاد مردم اشاره کرد. رئیسی در همه جلسات دغدغه بهبود معیشت مردم به‌ویژه بازنشستگان را داشتند و در این مورد و در خصوص توسعه خدمات به ما توصیه می‌کردند و رایگان شدن درمان برای مردم، از آرمان‌ها و اولویت‌های وی بود. مدیرعامل تأمین اجتماعی افزود: مادر تأمین اجتماعی توسعه درمان مستقیم را که تمام خدمات آن برای بیمه‌شدگان رایگان است، در اولویت قرار دادیم و در دولت سیزدهم تاکنون ۳۹ بیمارستان و مرکز درمانی تخصصی و عمومی را در کشور افتتاح کرده‌ایم و طرح توسعه بیمارستان کوثر بوجرد چهلمین مرکزی است که در این دولت افتتاح می‌شود. وی گفت: در بخش درمان تأمین اجتماعی روزانه بالغ بر یک میلیون و ۲۰۰ هزار خدمت سرپایی رایگان و ۱۷ هزار خدمت بستری به مردم ارائه می‌شود و نهضت توسعه خدمات درمان مستقیم در سازمان با قوت و قدرت ادامه خواهد یافت.

رسمی‌شدن؛ مهم‌ترین دغدغه معلمان خرید خدمات است
تهدید مداوم به اخراج، بالای سر غیررسمی‌ها

«ماهر سال تهدید به اخراج می‌شویم و مشخص نیست که سال بعد هم سر کار باشیم یا نه، این یعنی یک آینده نامعلوم. بحث یک روز و دو روز نیست. امثال من ۱۰ سال از عمر و جوانی‌شان را صرف آموزش و تربیت فرزندان ایران کرده‌اند، از منافع بسیاری محروم شده‌اند یا خودشان از آن چشم‌پوشی کرده‌اند. اینکه یک‌باره اعلام کنند دیگر به ما احتیاجی ندارند، یک ظلم بزرگ در حق مقام معلمی است. من از فقدان امنیت شغلی حرف می‌زنم. ما بعد از یک دهه خدمت خالصانه، از نظام آموزشی رانده شویم و برویم در جای دیگر چه کنیم؟ هیچ کاری هم جز معلمی بلد نیستیم. معلمان خرید خدمات، آموزگاران بدی نیستند. تعداد کثیری از آنها در اقدام پژوهی و درس پژوهی رتبه آورده‌اند، برای مدارس افتخار کسب کرده‌اند و معلم‌های نمونه شده‌اند. باد ایده شماردن حقوق ما معلمان خرید خدمات و اخراج بی‌حساب و کتاب این قشر، ضمن بیکار شدن هزاران نفر، خانواده‌های بسیاری هم به‌بخت می‌شوند».

اینها بخش کوچکی از گلایه‌های معلمان خرید خدمات از زبان یک معلم زن است. این معلم درباره مشکلات حقوق و دریافتی معلمان خرید خدمات به خبرآنلاین می‌گوید: «زمانی که شروع به کار کردیم، یعنی حدود ۱۰ سال پیش، دستمزد اولیه‌مان ۳۰۰ هزار تومان بود. طبق قانون وزارت کار، تا سال گذشته برای یک معلم مجرد ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان واریز می‌کردند. بعد از ایام عید، زمزمه‌هایی از افزایش حقوق به گوش می‌رسید اما هنوز که هنوز است، برای ما حقوقی واریز نشده و حتی بخشنامه‌ای هم به ما نشان نداده‌اند که ببینیم این افزایش حقوق به چه میزان خواهد بود».

معلمان خرید خدمات، مهجور از حقوق و بیمه کامل

«معلم خرید خدمات» در تعریف عمومی به معلمانی گفته می‌شود که در استخدام رسمی وزارت آموزش و پرورش نیستند و این نهاد در صورت احتیاج و کمبود نیرو در مدارس کشور، به اندازه نیاز ساعت آموزشی خود در مناطق محروم و مناطقی که معلم در آنجا کم است، آنها را جذب می‌کند.

معلمان خرید خدمت به‌قدری مظلومند که وقتی راجع به آنها صحبت می‌کنیم، برخی افراد، آنها را با صنف نیروهای خدماتی مدارس و سرایداران اشتباه می‌گیرند. جامعه حتی از وجود چنین قشری هم خبر ندارد

در همین راستا «محمدرضا نیک‌نژاد» کارشناس آموزش و معلم بازنشسته می‌گوید: «در تنظیم قراردادهای کاری، میزان حقوق معلمان خرید خدمات باید براساس حداقل حقوق سازمان اداری و استخدامی کشور یا وزارت کار باشد یعنی در حال حاضر چیزی حدود ۸ میلیون تومان. اما بنابر پیچیدگی‌هایی که در این کار وجود دارد، این معلم‌ها حقوقشان کمتر از این رقم است و حتی گاهی به نصف هم می‌رسد».

از همه مزایای رسمی‌ها محروم هستیم

یکی از آموزگاران مرد مقطع ابتدایی هم ضمن شکایت از حقوق و درآمد ناکافی معلمان خرید خدمات می‌گوید: «در وضعیتی که تورم و گرانی بیداد می‌کند، حقوق پرداختی به معلمان خرید خدمات اصلاً پاسخگوی معاش آنها نیست. خیلی از همکاران ما متأهل و صاحب فرزند هستند و طبیعی است که نتوانند با این مبالغ ناچیز، زندگی را به نحو احسن اداره کنند. بماند که این حقوق هم به‌صورت ثابت و منظم به ما پرداخت نمی‌شود طوری که بعضاً پیش آمده ما تا سه ماه هم حقوق دریافت نکردیم. این موضوع فشار اقتصادی زیادی به ما وارد می‌کند. همچنین در تعطیلات عید و تابستان، برای معلمان خرید خدمات بیمه‌ای لحاظ نمی‌شود و حتی از عیدی‌های سالانه هم محروم هستند».

استخدام با واسطه معلمان در بدنه آموزش و پرورش

استخدام با واسطه، یکی از پررنگ‌ترین مشکلات معلمان خرید خدمات است. در هر استان، برخی شرکت‌های خدمات آموزشی تحت عنوان شخص حقوقی و افرادی به نام «مؤسس» به‌عنوان شخص حقیقی، با اداره کل آموزش و پرورش قرارداد دارند و معلمان خرید خدمات نیز طی روند جذب و قرارداد، با همین واسطه‌های حقیقی و حقوقی، طرف حساب هستند.

این آموزگار در تأیید مسأله فوق اشاره می‌کند: «یکی از مشکلات ما همین است که با آموزش و پرورش و دولت قراردادی نداریم. در واقع یک سری مؤسسات غیردولتی هستند که ما با آنها قرارداد می‌بندیم و آنها حقوق ما را می‌دهند. پذیرش اینکه طرف قرارداد ما دولت نیست، سخت و آزاردهنده است. این یعنی ما را تحت هیچ شرایطی به رسمیت نمی‌شناسند و برای ما هویت شغلی مستقلی قائل نیستند».

نیک‌نژاد هم در این خصوص می‌گوید: «نیروهایی که به این شکل جذب آموزش و پرورش می‌شوند، در واقع آرمانشان این است که معلم رسمی باشند. سال‌ها این شرایط استثمارگونه را تحمل می‌کنند، به امید روزی که شرایط برای استخدامشان فراهم شود».

میزان حقوق معلمان خرید خدمات باید براساس حداقل حقوق یعنی چیزی حدود ۸ میلیون تومان باشد اما بنا بر پیچیدگی‌هایی که وجود دارد، این معلم‌ها حقوقشان کمتر از این رقم است و حتی گاهی به نصف هم می‌رسد

تبدیل معلم به نیروی دست‌دوم

طبق اظهارات نیک‌نژاد، امروزه ساختار آموزشی کشور به سمت و سوی «رسمی‌زدایی» در آموزش و پرورش پیش می‌رود و گویا برای این نهاد راحت‌تر است که نیروهایش را بدون قراردادهای محکم و رسمی به کار گیرد.

او می‌گوید: «معلمان خرید خدمات، افزون بر اینکه به‌شدت تحت فشارند، قراردادهای سستی هم دارند و برای ادامه فعالیت به‌ناچار به خواسته‌های بالادستی‌ها تن می‌دهند. چشم‌اندازی هم وجود ندارد که این سبک قراردادها از سیستم کاری محو شوند. با معلمان خرید خدمات شبیه نیروهای دست دوم رفتار می‌شود. به عبارتی این نیروها هر زمان که به آنها نیاز باشد، سر کار حاضر می‌شوند و احیاناً اگر روزی به آنها اعلام شود که سر کار نیایند، دستشان به جایی بند نیست اما در نهایت باید توجه داشت که آسیب کلی این روابط کاری ناسالم و ستمکارانه متوجه نظام آموزشی و دانش‌آموزان است».

اعتراض‌ها، بی‌حاصل‌تر از همیشه

قشری که سال‌ها زحمات بسیاری برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کشیده و آن‌طور که باید جایگاه خود را در اجتماع پیدا نکرده، مسلماً حق اعتراض برایش محفوظ است اما با وجود شکایات و اعتراضات صنفی همچنان این معلمان تعیین تکلیف نشده‌اند و ذیل ردیف نیروهای استخدامی نیستند.

یک آموزگار دبستان، به‌عنوان یکی از اعضای جامعه فرهنگیان، از پیگیری‌هایی که در این زمینه داشته‌اند، می‌گوید: «من و دیگر همکارانم بارها به دفتر مطالبات مردمی نمایندگان مجلس رفتیم و اعتراض خود را مطرح کردیم ولی متأسفانه هیچ‌گونه اقدام مثبتی صورت نگرفته و وعده‌ها صرفاً در حد حرف باقی مانده است. گویا هر چه اعتراض می‌کنیم، بی‌حاصل‌تر از همیشه است. این قشر به‌قدری مظلوم هستند که وقتی راجع به آنها صحبت می‌کنیم، برخی افراد، آنها را با صنف نیروهای خدماتی مدارس و سرایداران اشتباه می‌گیرند. یعنی جامعه حتی از وجود چنین قشری خبر ندارد، چه رسد به اینکه با مشکلات و مسائل آنها آشنا باشد. ما مشکلات عدیده‌ای داریم اما چیز زیادی نمی‌خواهیم؛ همین که مسئولان صدای ما را بشنوند و حتی گوشه‌چشمی به مطالبات این قشر فرهنگی داشته باشند، کافی است».

گزارش

بررسی شاخص فلاکت استانی در سال ۱۴۰۲ نشان داد
یزد جایگاه فلاکت‌بارترین استان را از کردنشینان گرفت

بررسی آمارهای شاخص فلاکت استانی در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد استان یزد تجربه بیشترین سطح شاخص فلاکت و استان تهران تجربه کمترین سطح آن را داشته است.

به گزارش اکوایران، شاخص فلاکت یکی از آمارهایی است که نشان می‌دهد میزان بیکاری و تورم در یک استان چه میزان بوده است. به همین جهت برای محاسبه این شاخص از مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم سالانه استفاده شده است. زمانی که این شاخص افزایش پیدا کند نشان می‌دهد بیکاری و تورم که دو عامل کلیدی در ایجاد رفاه برای خانوارها هست وضعیت مناسبی را به خود نمی‌بینند.

بررسی آمارهای شاخص فلاکت استانی در سال ۱۴۰۲ حاکی از آن است که شاخص فلاکت در کل کشور معادل ۴۸.۸ بوده در حالی که ۱۰ استان کشور وضعیتی بهتر از میانگین کشوری و ۲۱ استان وضعیت نامناسب‌تری را تجربه کرده‌اند.

بر این اساس می‌توان مشاهده کرد که بهترین وضعیت شاخص فلاکت در سال ۱۴۰۲ مربوط به استان تهران بوده است. طبق آمارها شاخص فلاکت در استان تهران معادل ۴۳.۲ بوده که نسبت به میانگین کشوری ۵.۶ واحد کمتر بوده است. به بیانی می‌توان گفت استان تهران وضعیت مناسب‌تری در نرخ بیکاری و تورم سالانه نسبت به سایر استان‌های کشور داشته است.

در سمت دیگر استان یزد قرار گرفته است که بیشترین سطح شاخص فلاکت را در سال ۱۴۰۲ داشته است. شاخص فلاکت در این استان معادل ۵۷.۴ بوده که ۸.۶ واحد نسبت به میانگین کشوری بالاتر بوده است. به عبارتی در سال گذشته استان یزد نامناسب‌ترین وضعیت رفاهی و اجتماعی را برای خانوارهای خود داشته است طوری که مجموع نرخ تورم سالانه و نرخ بیکاری این استان از سایر استان‌های کشور بیشتر بوده است. این در حالی است که در سال‌های پیش، استان‌های کردنشین مثل کردستان و کرمانشاه، عموما در صدر این فهرست قرار می‌گرفتند.

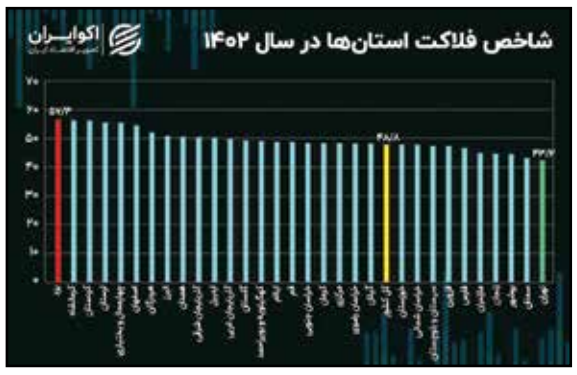

در این میان بررسی استان‌های بزرگ نیز از اهمیت بالایی برخوردار است برای مثال استان اصفهان با شاخص فلاکت ۵۵.۵ جایگاه ششم را در میان استان‌های کشور داشته است یا استان البرز با شاخصی معادل ۵۱.۸ جایگاه هشتم در شاخص فلاکت استانی را به خود اختصاص داده است.

گفت و گو

روایت راغفر از چگونگی آغاز نابرابری‌ها در ایران بعد از جنگ
سرمایه بازدهی بیشتری نسبت به نیروی کار و تولید واقعی دارد

عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا با بیان اینکه متاسفانه اکنون شاهد اقتصاد رفاقتی غارتی هستیم، مگر اینکه جهت‌گیری‌های اساسی تغییر کند، تاکید کرد: نظام مالیات‌ستانی باید اصلاح شود. امسال البته مثلا اصلاح کرده‌اند اما پدر مردم و تولید را درآورده‌اند! در حالی که اصلی‌ترین محلی که باید از آن مالیات گرفته شود، برندگان اقتصاد مالی شده بعد از جنگ هستند اما متاسفانه آنچه که در دستور کار گذاشتند، انتقال مالیات به مصرف‌کننده است که آسیب‌های بسیار جدی برای تولید و مردم دارد.

حسین راغفر که در نشست بررسی روند ۶۵ ساله اشتغال در ایران، در فرهنگستان علوم سخن می‌گفت، خاطرنشان کرد: ساختار کج اقتصاد ایران خصوصا بعد از جنگ تحمیلی به گونه‌ای سرمایه‌گذاری را در فعالیت‌های مالی رشد داد که موجب نابرابری‌های گسترده شد و اکنون وضعیت را به جایی رسانده که نرخ بازدهی سرمایه، بیشتر از نرخ بازدهی نیروی کار و تولید واقعی شده است.

وی با بیان اینکه این مسأله در کشورهای صنعتی نیز رخ داده و سال به سال کسانی که صاحبان سرمایه بودند، سهم بیشتری از بزرگ شدن کیک اقتصاد دریافت کردند، افزود: در چنین شرایطی، نابرابری به طور طبیعی رقم خورد. در کنار آن، مسأله مالی شدن اقتصاد در کشور ما، عمدتا بعد از جنگ تحمیلی با برنامه‌هایی که مطرح کردند به‌ویژه از سال ۱۳۷۸ که قانون تاسیس بانک‌های خصوصی مصوب شد، اتفاق افتاد. از ۱۳۷۹ به بعد، این جریان با تشکیل سه بانک خصوصی آغاز شد تا جایی که در دولت نهم چندین بانک در یک روز تاسیس شد! تسهیلات نیز به نحوی خاص توزیع شد و عمدتا آنها را به بخش‌های نامولد و بخش تجارت تخصیص دادند. در این شرایط، اعتبارات بخش تجارت از تسهیلات بانکی به شدت افزایش پیدا کرد.

تفکر بازار آزاد و رشد شدید نابرابری

به گفته این استاد دانشگاه، از آن مهمتر این بود که نرخ تسهیلات بانکی را هم یکسان کردند. اعتباراتی که به‌طور طبیعی به بخش‌هایی مانند کشاورزی که با ریسک‌های ذاتی روبه‌رو هستند و عملا به دلیل اهمیت آن برای تولید غذا تخصیص داده می‌شد و نرخ‌های بهره ترجیحی داشتند، همه یکسان شدند. وقتی نرخ تسهیلات صنعت، تجارت و کشاورزی یکسان شد عملا به نفع تجارت بود. به همین دلیل سهم تجارت از ۱۶ درصد تسهیلات بانکی به ۳۸ درصد رسید! اینها اتفاقی نبود بلکه منافع یک گروه خاص ایجاب می‌کرد این شیوه تصمیم‌گیری اتفاق بیفتد.

راغفر با بیان اینکه منافع گروه‌هایی که در قدرت هستند عملا چنین شرایطی ایجاد کرد و آنها آگاهانه و عمدا به اسم اقتصاد بازار آزاد، این وضعیت را پیش آوردند، توضیح داد: از ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴، تفکر بازار آزاد در اقتصاد جهانی حاکم بود که یکی از دلایل رشد شدید نابرابری است. از ۱۹۱۴ تا ۱۹۸۰ روند اجتماعی شدن اقتصاد مطرح شد و مالیات‌های بزرگ و تصاعدی از صاحبان ثروت و دارایی در دستور کار قرار گرفت تا بتوانند هزینه بحران‌ها را تامین کنند به نحوی که در برخی از دوره‌ها تا ۹۰ درصد درآمد یک درصد بالای صاحبان ثروت و درآمد، صرف مالیات می‌شد که به آن کف مالیات مصادره‌ای گفته می‌شد و مانند این بود که اموال آنها را مصادره کرده‌اند اما متاسفانه در کشور ما چنین عزمی وجود ندارد.

انتقال مالیات به مصرف‌کننده، آسیب‌های جدی دارد

این اقتصاددان تاکید کرد: بارها گفته‌ایم نظام مالیات‌ستانی باید اصلاح شود. امسال مثلا اصلاح کرده‌اند اما پدر مردم و تولید را درآورده‌اند! در حالی که اصلی‌ترین محلی که باید از آن مالیات گرفته شود، برندگان اقتصاد مالی شده بعد از جنگ هستند یعنی آنهایی که دارایی‌های کلان دارند. با این اقدام آثار تورمی به شدت کاهش می‌یابد اما متاسفانه آنچه که در دستور کار گذاشتند، انتقال مالیات به مصرف‌کننده است که آسیب‌های بسیار جدی برای تولید و مردم دارد.

راغفر ادامه داد: از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ هم روند نابرابری‌ها افزایش یافته و به همین دلیل اقتصاد جهانی آسیب‌هایی خورده با این تفاوت که در غرب و کشورهای صنعتی سازوکاری وجود دارد که حاکمان را وامی‌دارد که اصلاحاتی انجام دهند و از جمله آنها سازوکار انتخابات است.

بخش قابل توجهی از جمعیت کشور از زندگی عادی محروم شده‌اند

راغفر بخشی از ناآرامی‌هایی که در ۱۴۰۱ رخ داد، واکنشی به نابرابری‌های کشور دانست و گفت: بخش قابل توجهی از جمعیت کشور از زندگی عادی محروم شده‌اند. کسی که حتی اگر در این شهر به دنیا آمده باشد و اجدادش هم در آن بوده باشند، نمی‌تواند در آن خانه بخرد! شاهد نابرابری‌هایی هستیم که سیستم به اسم بازار آزاد ساخته است. برندگان چپاول اقتصاد کشور و منابع انرژی آن، تصمیماتی می‌گیرند اما هر روز به اسم بازار و بازار آزاد سیاست‌ها را پیش می‌برند. در حالی به آنچه ادعا می‌کنند قیمت‌گذاری دستوری است، اعتراض می‌کنند که قیمت‌گذاری دستوری، تنها یک شعار است. کدام قیمت‌گذاری دستوری!؟ مردم هر روز چپاول می‌شوند و کسی نیست که بگوید چرا روزانه شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم! آن هم در کالاهایی که یارانه ارزی دریافت می‌کنند! اینها به اعتراضات در کشور دامن می‌زند. متاسفانه ما اکنون شاهد اقتصاد رفاقتی غارتی هستیم، مگر اینکه جهت‌گیری‌های اساسی تغییر کند.